

ماجرای دختری در دام کارگردان قلابی!



مرد ۳۶ ساله با بیان این که چیزی نمانده بود تلفن را قطع کنم! و آرزوهایم بر باد برود خنده حیل‌گرانه‌اش را دمیسه‌ای برای ارتباط صمیمانه با «هایده» قرار داد و او برای گفت‌وگوی حضوری دعوت کرد.

این گزارش است: عصر روز بعد «هایده» لباس‌های شیک پوشید و به طرف کافی نت به راه افتاد اما از آنچه می‌دید به شدت تعجب کرده بود. در آن ساعت روز کافی نت خلوت بود و هیچ کدام از همکاران «نعیم» نیز در محل حاضر نبودند. با وجود این «هایده» سکوت کرد و با تعارف متصدی کافی نت روی صندلی نشست! لحظاتی بعد چای داغ مقابلش قرار گرفت اما «هایده» به خاطر شرم و حیا سرش را پایین انداخته بود. «نعیم» که نقشه شومی را در سر می‌پروراند خطاب به او گفت: راحت باش! قرار است از این به بعد با یکدیگر کار کنیم! پس نیازی نیست معذب باشی! اداقایی بعد «هایده» از ریز و درشت زندگی و خانواده‌اش سخن گفت و آرزوها و کمبودهایش را برای «نعیم» بازگو کرد. بعد از حدود یک ساعت گفت‌وگو «نعیم» کرکره کافی نت را پایین کشید و در حالی که خود را از راهرو می‌گذراند «هایده» را با خود همراهی کرد. «نعیم» از ریز و درشت زندگی و خانواده‌اش سخن گفت و آرزوها و کمبودهایش را برای «نعیم» بازگو کرد. بعد از حدود یک ساعت گفت‌وگو «نعیم» کرکره کافی نت را پایین کشید و در حالی که خود را از راهرو می‌گذراند «هایده» را با خود همراهی کرد. «نعیم» از ریز و درشت زندگی و خانواده‌اش سخن گفت و آرزوها و کمبودهایش را برای «نعیم» بازگو کرد. بعد از حدود یک ساعت گفت‌وگو «نعیم» کرکره کافی نت را پایین کشید و در حالی که خود را از راهرو می‌گذراند «هایده» را با خود همراهی کرد.

رنگ و بوی عاطفی به خود گرفت و به جملائی مهرآمیز رسید. تا این که چند روز بعد «نعیم» از او خواست باز هم به کافی نت بیاید. این بار «هایده» زیباترین لباس‌هایش را پوشید و با اندکی آرایش از خانه بیرون زد! او در پاسخ به سوال مادرش نیز گفت: با یکی از دوستان همکلاس ام‌قار دارم! نیم ساعت بعد «نعیم» با گشاده‌رویی از «هایده» استقبال کرد و لبخند زان گفت: حالا دیگر وقت آن رسیده است که ساخت فیلم را شروع کنیم و تو برای اولین بار در فیلمی به کارگردانی من بازی خواهی کرد!

«نعیم» با بیان این جملات بر که ای را مقابل «هایده» گذاشت و سپس درخواست عجیبی را مطرح کرد. او در پاسخ به نگاه پرسش برانگیز «هایده» گفت: چیز مهمی نیست شما فقط امضا کنید، بالاخره این جا سرگرم بازی هستیم و چون در حسن نقش فرمی رویم احتمال دارد ناخواسته دست‌هایمان با یکدیگر برخورد کند! این فقط یک صیغه مجرمیت است که اگر چنین اتفاقی هم ناخواسته رخ داد، مشکلی نداشتیم! پس «نعیم» چون کار ما گروهی است و این گونه موارد اتفاق می‌افتد! اگر نه این بر که به درد چیز دیگری نمی‌خورد!...

«هایده» که نمی‌دانست واقعا چرا باید چنین بر که ای را امضا کند ولی به خاطر شوق رسیدن به آرزوی بازیگری، تار و پود افکار خوش‌بینانه‌اش را به یکدیگر گره زد و امضایش بر آن بر که گذاشت! نقش بسط! در این لحظه «نعیم» دست دختر جوان را گرفت و گفت: ورودت را به دنیای بازیگری تبریک می‌گویم!

آن روز «هایده» به منزل بازگشت و باز هم پیام‌های عاطفی یکی پس از دیگری برایش ارسال شد. حالا دیگر «هایده» هم به این گونه پیام‌ها عادت کرده بود و آرام آرام به «نعیم» علاقه‌مند می‌شد! اما همواره از این وحشت داشت که اگر پاسخ پیام‌های محبت‌آمیز او را ندهد، شاید دیگر هیچ گاه دنیای بازیگری را تجربه نکند به همین خاطر پیام‌ها رنگ عاشقانه به خود گرفت و این گونه روابط «نعیم» و «هایده» به «خویشاوندی»‌های احساسی رسید! دیگر «هایده» همه دوستان و حتی خانوادهاش را فراموش کرده بود و تنها به امید بازی در یک

فیلم کوتاه به سر قرارهای عاشقانه می‌رفت. «نعیم» که حالا طعمه خود را به خوبی فریفته بود همچنان او را با امید به بازیگری به سوی اهداف شوم خود می‌کشاند تا این که حدود ۲ سال از این آشنایی بازیچه‌گونه گذشت: ولی «هایده» هنوز حتی یک فیلم کوتاه هم بازی نکرده بود. «نعیم» باز هم او را به بهانه‌های مختلف از جمله کمبود نقدینگی و غیره سرگردان کرده بود تا جایی که چشم به طلاهای «هایده» دوخت. او نیز الگوها و گوشواره‌هایش را به خاطر دلسوزی و کسادی بازار به «نعیم» داد تا بالاخره فیلم کوتاه ساخته شود اما «هایده» آرام آرام متوجه شد که فریب کارگردان قلابی را خورده است و هیچ فیلمی در کار نیست! این گونه بود که با اعتراض وی تهدیدهای «نعیم» نیز شروع شد. حالا «هایده» از ترس رسوایی و آبروریزی بر سر دوراهی وحشتناک گیر افتاده بود و نمی‌خواست خانوادهاش از ماجرا بی‌بهره بماند. در همین حال مادر «هایده» که متوجه گوشه‌گیری و انزواي دخترش شده بود با مهارت خاصی به «هایده» نزدیک شد تا او مشکلیش را با مادرش در میان بگذارد ولی باز هم «هایده» خودش را کنترل کرد و چیزی نگفت با

گروه حوادث - دختر جوانی که به امید رسیدن به آرزوی بازیگری، طعمه کارگردان قلابی فیلم‌های کوتاه شده بود، در حالی به مرز خودکشی رسیده که متوجه شد بازیچه‌ای برای خوشگذرانی بوده است!

سرگذشت تلخ این دختر جوان از حدود ۲ سال قبل زمانی آغاز شد که او برای گرفتن چند کپی از مدارک تحصیلی به یک کافی نت در مشهد رفت. دقیقی بعد «هایده» با دیدن تصویری از یک بازیگر معروف سینمایی، سفره آرزوهایش را روی میز متصدی ۳۶ ساله گشود و بدون هیچ شناختی از «نعیم» رویاهای هنرپیشگی را به تصویر کشید. او گفت: سال‌هاست که عاشق بازیگری شده‌ام و دوست دارم روزی در یک فیلم با سرریال بازی کنم!...

در این هنگام ناگهان «نعیم» جمله‌ای بر زبان راند که «هایده» را روی صندلی کافی نت می‌خکوب کرد. او گفت: من کارگردان هستم و تاکنون چند فیلم کوتاه را نیز کارگردانی کرده‌ام. حالا دیگر «هایده» در پوست خود نمی‌گنجید و دچار نوعی ذوق زدگی شده بود که از شدت خوشحالی فراموش کرد برای چه کاری وارد کافی نت شده است. «نعیم» که او ضایع از این گونه دید، شماره تلفن «هایده» را گرفت تا برای تست بازیگری از او دعوت کند و با یکدیگر در ارتباط باشند که اگر پذیرفته شد، در فیلم کوتاهی بازی کند که قرار است به زودی ساخته شود!

دختر ۱۸ ساله که احساس می‌کرد به رویای دیرینه‌اش رسیده است، شادمان از کافی نت بیرون آمد. او آن قدر در افکارش غرق بود که نفهمید چگونه به خانه رسیده است! هنوز یک ساعت بیشتر از این ماجرا سپری نشده بود که شماره ناشناسی روی گوشی تلفنش نقش بست. دختر جوان نگاهی تردیدآمیز به شماره تلفن انداخت ولی در نهایت کلید پاسخ را فشرد. در همین هنگام وقتی صدای من «نعیم» هستم را از آن سوی خط شنید، انگار همه دنیا را به او بخشیدند: «هایده» که دست و پایش را گم کرده بود با خوشحالی پاسخ داد: سلام آقای من!



شده تا به زودی به جرم وی رسیدگی شود. این در حالی است که اولیای دم برای وی حکم قصاص خواستند.

وی به بازسازی صحنه جرم پرداخت و پرونده‌اش با صدور کیفرخواست به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده

قاتل پسر مرا قصاص کنید!

بگیرم تا ناچار شود طلبش را بدهد اما دوستانم که میهمان خانه اش بودیم میانجگری و سعی کرد به دعوا پایان دهد. ولی وقتی دید موفق نمی‌شود ما را آرام کند من و سیاوش را از خانه بیرون کرد و گفت بهتر است در خانه او با هم درگیر نشویم. وقتی مقابل در رفتم سیاوش به سمت حمله کرد و درگیری میان ما در خیابان بالا گرفت. او شروع به فحاشی کرد و من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم با قهقهه ای که همراه داشتم یک ضربه به او زدم. سپس سوار موتور شدم و فرار کردم. صبح روز بعد وقتی از دوستانم شنیدم سیاوش در بیمارستان جان سپرده ترسیمم و به یکی از شهرستان‌های شرق تهران فرار کرد. من یک هفته آورده بودم که دستگیر شدم.

وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود ادامه داد: باور کنید من قصد کشتن او را نداشتم. سیاوش خودش دعوا را شروع کرد و من فکر نمی‌کردم ضربه‌ای که به او زدم باعث مرگش شود. من پشیمان و شرم‌نده هستم.

گروه حوادث - مرد جوان که دوست معتادش را به خاطر طلبش کشته بود در حالی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود که اولیای دم برای وی حکم قصاص خواسته اند. وی می‌گوید قصد قتل نداشته و پشیمان است.

مهر ماه سال گذشته وقوع درگیری خونین در یکی از خیابان‌های ملارد به پلیس اعلام شد. ماموران به بررسی پرداختند و دریافته بودند که اولیای دم برای وی حکم قصاص خواسته اند. وی می‌گوید قصد قتل نداشته و پشیمان است.

مأموران در نخستین گام از بررسی‌ها به پرس و جو از شاهدان پرداختند و دریافته‌اند عامل درگیری پسر ۲۷ ساله‌ای به نام آرمن است که با موتور گریخته است. شاهدان گفتند آرمن در درگیری با دوستانش قهقهه کشید و بعد از زخمی کردن سیاوش گریخت. با افشای این ماجرا تلاش پلیس برای ردیابی آرمن آغاز شده بود که از بیمارستان خیر رسیدن سیاوش به خاطر شدت خونریزی تسلیم مرگ شده است.

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

<h3>تعمیرات کولر</h3> <p>تعمیرات کولر - اسپیلت ۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸ جاسم کریمی فوری - مطمئن</p>	<h3>خدمات</h3> <p>خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸</p>	<h3>لوازم یدکی</h3> <p>تهیه لوازم یدکی خودرو شما در سریعترین زمان ۰۹۱۱۲۱۱۱۸۲۸ جعفری</p>	<h3>استخدام</h3> <p>استخدام نیروی خدماتی یک شرکت تبر برای تکمیل نیروهای مورد نیاز خود، نیروی خدماتی ساکن کیش استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۲۸۴ ۰۷۶۴۴۴۲ تماس حاصل فرمایند.</p>
<h3>خشکشویی</h3> <p>خشکشویی طلوع در اسرع وقت با تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع، روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش ۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸ با مدیریت عسکری</p>	<h3>فروش خودرو</h3> <p>فروش پژو پارس سال موتور جدید XU7P مدل ۱۴۰۲ ۰۹۱۷۱۶۲۱۰۰۸</p>	<h3>تعمیرات و تأسیسات منزل</h3> <p>منزل - لوازم آشپزخانه آب - برق ۰۹۱۷۹۷۵۷۲۳۰ خاکساری</p>	<h3>تأسیسات منزل</h3> <p>تعمیرات و تأسیسات منزل ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰</p>

صنایع چوب | کلیه سفارشات | چوبی، MDF | دکوراسیون غرفه و منزل | تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲ | حلاج کیش